کتابشناسی ایتالیایی ایران

جری بچکا

مترجم : روشنی زعفرانلو، قدرت الله

کتابشناسی ایتالیائی ایران‏ angelo piemontess bibliografia italiana dell iran . napoli,1982,2 vols

کتابی از نوع کتاب«پیه مونتسه»خدمت بزرگی است به تاریخ ادب و فرهنگ‏ کشور ایران و گواهی بر دلبستگی قدیمی مؤلف به تاریخ علم،ادبیات و زبان ایران.

«پیشه منتسه»زمینهء وسیعی را برای نیل به هدف خود برگزیده و گرچه،فقط نام‏ ایران را برای کتاب خود در نظر گرفته اما شامل تمام جنبه‏های تاریخ و فرهنگ سرزمین‏ های تاریخی ایران است.

این کتابشناسی کتابهای از زمان بوجود آمدن چاپ تا سال 1982 را در بر می‏گیرد،مثلا اطلاعات باارزش و جامعی در پاسخ سئوالات مطرح شده از طرف‏ دانشجویان دربارهء موضوعات مختلف منطقه و نظریات مورخان علوم و علوم انسانی و سایر متخصصان مسائل خاور نزدیک را شامل است.کتاب دارای 6886 مدخل است و به یازده بخش تقسیم می‏شود.پنج بخش آن(جلد اول)شامل کتابشناسی،جغرافیا، سفرنامه و خاطره نویسی،تاریخ و باستانشناسی است.شش بخش باقیمانده(جلد دوم) هنر،زبان،ادبیات،فلسفه و علوم‏[منطق‏]،مذهب و ایران در ادبیات ایتالیا و اروپاست. این یازده بخش به دسته‏های کوچکتری تقسیم می‏شود مثل سفرنامه‏ها و ادبیات که دارای‏ شاخه‏های فرعی است که بر حسب اسم مؤلف تقسیم‏بندی شده است.کلیه بخش‏ها بر حسب تاریخ‏شمار طبقه‏بندی شده است.

این طبقه‏بندی بر حسب اسم مؤلف یااسم مستعار،عنوان کتاب،مقاله یا ترجمه، نشریات ادورای باختصار و سایر اطلاعات مربوطه با علوم مذکوردر فوق است و شرح‏ و تفسیر مختصری هم در هر موردی که لازم بنظر می‏رسیده است داده شده است،بخصوص‏ در مواردی که متابهای قدیمی مورد بحث بوده است.اکثر بخشهای کتاب اختصاص‏ به ایتالیائی‏های ایران‏شناس معاصر دارد که بطور مثال می‏توان از الساندرو بوزانی نام‏ برد که دویست اقلام آن را دربرگرفته است.بعضی قسمتها به مؤلفان چکسلواکی اختصاص‏ یافته است که می‏توان از و.کوبیچکوا،ژ.موکاروسکی(نظامی نوشتهء موکاروسکی) و دیگران تنام برد.سه بخش کتاب به آنان اختصاص یافته است.قسمتهای دیگری به‏ کسانی چون ادریکو بوئمو،دی پوردفون،یان ریبکا و دیگران اختصاص دارد.

پیه منتسه در کتابشناسی خود،نه تنها از ایتالیائی‏های ایران‏شناس که در مورد ایران مطلب نوشته‏اند یادآوری کرده ات،بلکه از مستشر قینی هم که در نشریات آنان‏ مطالبی دربارهء ایران دارند سود جسته است،از جمله از یان ریبکا،و کوبیچکوا،اوتاکا کلیما در مجلهء«آرشیو اوریانتالنی»و سایر نویسندگانی که در این مجله مقاله داشته‏اند.

در جلد دوم فهرست اسامی شامل نام مؤلفان،مقاله‏نویسان و مترجمین و شخصیت‏ های شرقی است که نام آنان به ترتیب خاصی در بخش‏های مختلف کتاب مورد بحث‏ قرار گرفته آمده است.

پیه منتسه محققان ایتالیائی را بخوبی ایرانشناسان ایرانی معرفی کرده است.فقط این ایراد ممکن است بر کار پیه منتسه گرفته شود که هر صفحه‏ای از کتاب تقریبا 8 تا 15 بخش و بعضی مواقع پنج بخش را دربرگرفته است که نه تنها از لحاظ اقتصادی‏ مقرون بصرفه نیست،بلکه بر حجم کتاب نیز افزوده شده است.چنین کتابشناسی بهترست‏ به‏نحوهء دیگری تنظیم گردد.

ترجمهء قدرت الله روشنی زعفرانلو

محمد علی جمالزاده

باز هم دربارهء حاجی بابا

اخیرا یکی از دوستان مقیم اکسفورد در کتابخانهء بادلین یک نسخه از چاپ دوم جلد دوم‏ حاجی بابا یعنی«حاجی بابا در انگلستان»بدستش افتاده است که دارای مقدمه‏ایست بقلم خود مؤلف‏ یعنی جیمز موربه.چون کاملا تازگی داشت و بلافاصله آن مقدمه را بوسیلهء شخص زبان‏دانی بزبان‏ فرانسه درآوردیم و سپس خودم ترجمه آنرا بزبان فارسی بعهده ناختم و اکنون ذیلا آن ترجمهء فارسی‏ را(با تغییرات مختصری)از لحاظ شریف خوانندگان می‏گذراند:

مقدمه بر چاپ دوم از جلد دوم«حاج بابا در انگلستان»که بقلم خود مؤلف کتاب در سال 1835 میلادی در شهردوبلن بوسیلهء ادارهء انتشارات که نام و نشانه‏اش را در پاورقی ملاحظه می‏فرمائید با پاره‏ای حواشی(پاورقی)و با تعدادی تصاویر زیبا به قطع جیبی بچاپ رسیده است‏1

«چنانچه احیانا کتابی را که«سرگذشت حاجی بابای اصفهانی»عنوان دارد ولو سرسری هم‏ ورق زده و با صبر و حوصلهء لازم تا آخرین صفحه مطالعه فرموده باشید لا بد متوجه شده‏اید که‏ «مترجم»در آنجا وعده داده است که اگر کارش مود توجه و شایستهء تشویق واقع گردد خواننده‏ را آگاه خواهد ساخت که با چه ترتیب و تذبیری قهرمان کتابش(اگر بتوان وی را بدین لفظ خواند)بمصاحبت و همراهی ایلچی کبیر ایران به انگلستان آمد و عامل و فاعل چه وقایعی گردید.

اینک در نهایت سرافکندگی باید اعتراف نمایم که این مترجم خود من هستم ولی پس از آنکه‏ چنین وعده‏ای را در پایان جلد نخستین کتاب دادم خود را در مقابل مشکلی بس بزرگ و ناچار از خود پرسیدم که چشم براه چکونه تشویق و ترغیبی میتوانی باشی و حتی امروز هم باز همین‏ سئوال رااز خود می‏کنم و به خود می‏گویم ای مرد ساده‏لوح آای واقعا منتظری که یاران و خوانندگان‏ برایت برسم نخستین دست بزنند و آفرین بگویند و در جواب این سئوال بخود می‏گویم که مگر نمی‏دانی که چنین چیزی از محالات است و هیچ امکان‏پذیر نیست که خواننده‏ای خالی از غرض‏ باشد و با تو موافقت کامل داشته باشد.مگر خودت نمی‏دانی که در انتظار بودن که اصحاب نقد و ادب در مطبوعات یومیه بی‏مقدمه به تمجید و تحسین تو بپردازند و با تو بزبان تشویق سخن بگویند (1)- richard bentleynew burlington street.bell a.brandfute . burgill.dublin,1835